

گالری‌ها



متاخرترین آثار آرمان استپانیان در گالری هما به نمایش درمی‌آید. این مجموعه شامل ۱۲ قطعه از عکس‌هایی است که این هنرمند در دو سال گذشته خلق کرده و عموماً مضامین آیینی فرهنگی از گذشته و حال از سنت و تجدد را دربر می‌گیرد. استپانیان از جمله عکاسان ایرانی است که در سال‌های اخیر نمایش‌های برون‌مرزی او بیش از خردادهای داخلی وی بوده است و در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ بیش از هفت نمایش بین‌المللی را در بریتانیا و خاورمیانه تجربه کرده و هفته آینده هم‌زمان با این نمایش در تهران آثاری از او در شهر کازابلانکا رونمایی می‌شود. آندرافتزیاتریک از کلکتورهای آثار خاورمیانه‌ای و استاد دانشگاه اتاوا در مقدمه لایت باکس‌های حاضر در گالری هما می‌نویسد: «کارهای استپانیان باید همچون معمایی رمزگشایی شوند. این آثار دربردارنده قطعات تصویری رمزآلودی هستند که به راحتی به نوشتار درمی‌آیند. این گونه است که امضای استپانیان را می‌توان در ورای زیبایی‌شناسی ظریف، در تجلیل دائمی زیبایی کلاسیک زنانه و حس طنز ذاتی و درونگرایانه او شناخت.» برخی آثار مجموعه حاضر در گالری هما پس از این نمایش به کانادا منتقل خواهد شد. این نمایشگاه از ۲ تا ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۰ در گالری هما رودروری مخاطبان قرار خواهد گرفت.



گالری طراحان آزاد



نمایشگاه نقاشی‌های «فرشید ملکی» با عنوان «تعلیق» عصر جمعه، دوم اردیبهشت در گالری طراحان آزاد گشایش یافت. در این نمایشگاه ۱۹ اثر میکس‌مدیا در سایز ۷۰×۱۰۰ به معرض تماشا گذاشته شده‌اند. این آثار همگی فیگوراتیو بوده و با تکنیک میکس‌مدیا روی مقوا خلق شده‌اند. ملکی در ارائه این آثار از مرکب خوشنویسی، ماژیک‌های رنگی، اکریلیک و نم‌هایی که به صورت دسته‌ای به هم متصلند، بهره گرفته است.

او در خلق آثارش به دنبال بیان هویت ملی و فرهنگی نیست و در این دوره بیشتر خود را به نقاشی با کارهای بازنمایانه و فیگوراتیو غرب نزدیک می‌بیند. فرشید ملکی تاکنون ۱۴ نمایشگاه انفرادی در گالری‌های گلستان، آریا، ۷ ثمر، طراحان آزاد، تالار قنبریز، انستیتو گوته، گالری B۲۱ در دویو و… برگزار کرده و در نمایشگاه‌های متعدد گروهی در داخل و خارج کشور از جمله آمریکا، آرمستان، انگلستان و عربستان حضور داشته است. آثار ملکی تا تاریخ ۱۴ اردیبهشت به روی دیوار نگارخانه طراحان آزاد واقع در میدان قلمی، میدان گلها، میدان سلماس، شماره ۵ اویخته شده‌اند.



موزه هنرهای معاصر



نمایش منتخبی از آثار ایرانی گنجه‌ی موزه هنرهای معاصر تهران با موضوع «نوروز، بهار و طبیعت» از هنرمندان پیشکسوت از روز دوم فروردین‌ماه در موزه هنرهای معاصر تهران افتتاح شد و به علت تقاضای دانشجویان و هنرجویان رشته‌های هنری تا پانزدهم اردیبهشت‌ماه ادامه دارد. در این نمایشگاه ۱۰۰ اثر از ۵۸ هنرمند ایرانی در رشته‌های نقاشی، نقاشی خط، خوشنویسی، نگارگری، سفال و سرامیک و عکاسی از هنرمندان سهراب سپهری، محمدعلی ترقی‌چاد، جعفر روحبخش، حسین کاظمی، ناصر پلنگی، کاظم چلیپا، محمدباقر آقامیری، حسین محجوبی، داود و یعقوب امادیان، جواد حمیدی، جعفر پنگر، ابوالقاسم سعیدی، فرامرز پیلارام، رضا شهابی، علی‌محمد حیدریان، حسین زنده‌رودی، رضا مافی، محمد احصابی، جلیل رسولی، نصرالله افجه‌ای، جعفر نجیبی، زیلا کامیاب، عشرت سبزیوس و… به نمایش درآمده است. علاقه‌مندان برای بازدید می‌توانند همه‌روزه به جز جمعه‌ها از ساعت ۱۰ صبح تا ۷ بعدازظهر به موزه هنرهای معاصر تهران واقع در خیابان کارگر شمالی، جنب پارک لاله مراجعه کنند.

سال پنجم ■ شماره ۱۴۹۱ ■ شنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۰

گفت‌وگو با شهرزاد غفاری، نقاشی از خاندان کمال‌الملک

از سبک پدر بزرگ تبعیت می‌کنم

▼ **هلیا قاضی‌میرسعید**

حتی اگر علاقه‌ای به نقاشی نداشته باشید، حتماً اسم **کمال‌الملک** (محمد غفاری) یا فیلمش را به کارگردانی **علی حاتمی** دیده‌اید. حالا فکر کنید خبر می‌رسد که یکی از خاندان او نمایشگاهی در **گالری گلستان** برپا کرده است. احتمالاً شما هم **کنجکاو** می‌شوید که یکسری بروید و ببینید چه خبر است. **شهرزاد غفاری در خانواده‌ای متولد شده که هنر در آن جایگاه ویژه‌ای داشته است و فارغ از موروثی بودن، علاقه شخصی به نقاشی راه را برای پیشرفت او هموار کرده است. تا آنجا که او حالا در ۳۸سالگی به سبک و سیاق مورد علاقه‌اش رسیده و آثاری را تحت عنوان نقاشی خط خلق کرده تا مخاطبانش ضمن حظ بصر، اندکی تامل کنند و با واژگانی که روی بوم نقش بسته‌اند، به درک متقابلی از آنچه مدنظر نقاش بوده است، برسند. تابلوهایی با مضامینی چون «عشق کار پهلوانان است»، «نور شدم»، «دریاب مرا ساقی»، «بی‌با و سر برقصا»، «بندها بشکن»، «دیوانه دل است»، «میان خونم و تو رسم» و…**

شهرزاد غفاری پس از سال‌ها اقامت در فرانسه، مالزی و کانادا به ایران بازگشته است تا نخستین نمایشگاه انفرادی خود را در تهران برپا کند. در این نمایشگاه ۱۱۴ اثر از آثار یک سال اخیر این هنرمند ارائه شده است که با تکنیک اکریلیک و ترکیب مواد خلق شده‌اند.

– شما در خانواده هنرمندی به دنیا آمدید و بزرگ شدید. تا چه اندازه که سیاق نقاشی افراد خاندان غفاری در شیوه کار شما تاثیر داشته و چقدر دنباله‌روی آنها بودید؟

خاندان غفاری بزرگانی چون کمال‌الملک و صنیع‌الملک را داشته است و علاوه بر اینها نقاشان دیگری هم بودند که البته به اندازه این دو نفر شهرت نداشتند. من از کودکی به نقاشی علاقه داشتم و حضور در چنین خانواده‌ای شرایط را برای من فراهم کرد تا بتوانم نقاشی را ادامه بدهم. این تشویق‌ها و علاقه شخصی من به هنر باعث شد در دانشگاه هم گرافیک بخوانم.

– با توجه به اینکه خانواده شما اهل هنر بودند و خودتان هم علاقه‌مند بودید و از دوران کودکی نقاشی می‌کشیدید، چه سبک‌هایی را در این مدت کار کردید؟

من سبک‌های مختلفی را کار کردم، اما روی سبک رئال تمرکز بیشتری داشتم که سبک کمال‌الملک هم محسوب می‌شود. پدربزرگ تعریف می‌کرد که کمال‌الملک به رستورانی در پاریس می‌رود، زمانی که صورتحساب را در بشقابی برایش می‌آورند، او طرحی از اسکناس را آنقدر طبیعی روی بشقاب می‌کشد که کارسون متوجه نمی‌شود و بشقاب را می‌برد.ان هم همیشه دوست داشتم قدرتم را در واقعی کشیدن اشیا نشان دهم. در کلاس‌های آبدین آغداشلو که شرکت می‌کردم، اسکناس را مجاله می‌کردند و از ما می‌خواستند آن را بشکشم. من چون گرافیک خواندم، در شرکت‌های گرافیکی کار می‌کردم اما باید چارچوب‌هایی را رعایت کنید تا مشتری راضی شود. اما در نقاشی، شما هستید و نقاشی شما. ساعت‌هایی که نقاشی می‌کنم برای من مانند مدیتیشن است. البته خیلی خوشحالم که به جای نقاشی گرافیک خواندم، چون گرافیک بسیار وسیع است. در گرافیک شما باید نقش، طراح، عکاس و حتی مجسمه‌ساز خوبی باشید. ولی در نهایت من پس از رئال، به کارهای رنگوگ علاقه پیدا کردم به ویژه رنگ‌ها و درخشش آنها و ضرب قلم‌های وحشی او برایم بسیار جذاب بود. من سال‌ها به همین روش کار کردم تا اینکه به دنبال راه دیگری رفتم و به اینجا رسیدم.

– خوب چطور از رئال به «پنجا» رسیدید؟

من پس از پشت سر گذاشتن رئال، دوره‌ای کار نکردم. حتی اگر علاقه‌ای به نقاشی نداشته باشید، حتماً اسم کمال‌الملک (محمد غفاری) یا فیلمش را به کارگردانی علی حاتمی دیده‌اید. حالا فکر کنید خبر می‌رسد که یکی از خاندان او نمایشگاهی در گالری گلستان برپا کرده است. احتمالاً شما هم کنجکاو می‌شوید که یکسری بروید و ببینید چه خبر است. شهرزاد غفاری در خانواده‌ای متولد شده که هنر در آن جایگاه ویژه‌ای داشته است و فارغ از موروثی بودن، علاقه شخصی به نقاشی راه را برای پیشرفت او هموار کرده است. تا آنجا که او حالا در ۳۸سالگی به سبک و سیاق مورد علاقه‌اش رسیده و آثاری را تحت عنوان نقاشی خط خلق کرده تا مخاطبانش ضمن حظ بصر، اندکی تامل کنند و با واژگانی که روی بوم نقش بسته‌اند، به درک متقابلی از آنچه مدنظر نقاش بوده است، برسند. تابلوهایی با مضامینی چون «عشق کار پهلوانان است»، «نور شدم»، «دریاب مرا ساقی»، «بی‌با و سر برقصا»، «بندها بشکن»، «دیوانه دل است»، «میان خونم و تو رسم» و…

رئال بسیار محدود است. در این سبک قدرت‌طلبی نهفته است و نقاش دوست دارد نشان دهد چقدر تواناست اما جایی برای بروز احساسات ندارد. من به دنبال سبکی بودم که بتوانم احساساتم را بیان کنم، در نتیجه این شیوه از کار را برگزیدم. این سبک ساده‌ای است یا من آن را ساده می‌بینم. من خودم را می‌بینم، احساسم را و یک بوم خالی؛ و احساسم را روی بوم پیاده می‌کنم. در تابلوهای من به غیر از رنگ و ترکیب‌بندی، کلمات هم حضور دارند و من از همه این ابزار برای بیان احساسم استفاده می‌کنم. زمینه بیشتر کارهای من تیره است. دوست دارم از دل تیرگی روشنی را بیرون بکشم.

– چه نیازی به استفاده از کلمات است؟

کلمات برای من مانند رنگ، صرفاً ابزاری برای بیان احساس است. کار می‌تواند از نظر بصری بسیار گیرا باشد، اما من می‌خواهم کارهایم یک وجه دیگری هم داشته باشند. دوست دارم با بازی کلمات، مخاطب به دنبال رمز و راز اثر بگردد، چون کلمات گاهی خوانا و در مواردی ناخواناست. می‌خواهم بیننده پس از گذر از وجه بصری اثر، کمی بیشتر مقابل تابلو بایستد و ببیند من به عنوان نقاش می‌خواهم چه چیزی را به او بگویم. من روی این قضیه تاکید زیادی دارم که مخاطب علاوه بر مکت بصری، مکت معنوی هم داشته باشد.

– خوب استفاده از کلمات در واقع نوعی کد دادن به مخاطب است و این وجه رازگونه بودن اثر را که به آن اشاره کردید، کم‌رنگ نمی‌کند؟

بله. اما من می‌خواهم روی احساسی که از تابلو به بیننده منتقل می‌شود، کنترل داشته باشم. در آستره ممکن است هر کسی برداشت خود را داشته باشد. اما من می‌خواهم کنترلی روی پیغامی که می‌دهم داشته باشم و این کار با استفاده از کلمات امکان‌پذیر است. من قصه را به دست بیننده نمی‌سپارم، بلکه تا حدی آن را برایش تعریف می‌کنم.

– شما دوست دارید قصه‌گو باشید، یا استفاده از کلمات و کد دادن به این دلیل است که شاید بیننده درک درستی از اثر نداشته باشد؟

نمی‌تایم. من فقط می‌خواهم مخاطب حسنی را که من هنگام کشیدن تابلو داشتم، تجربه کند.

– در گذشته شاید به این شکل، خط و نقاشی در هم آمیخته نشده بود و این دو هنر به شکل جداگانه‌ای عرضه می‌شد. شما که نقاشی را از رئال شروع کردید، از چه زمانی احساس کردید در آثار

شما این دو باید کنار هم قرار بگیرند؟

این اتفاق کملاً حسی بوده است. شعری که انتخاب می‌کنم یا تک‌کلمه‌ای که روی بوم می‌نویسم، تماماً ریشه‌های معنوی دارد. به نظر من خط نمی‌تواند از عرفان جدا باشد. خط در دوره‌ای بسیار مقدس بود چون آیات قرآنی با آن نوشته می‌شد، در نتیجه خط و عرفان هیچ گاه از هم دور نبودند. من به خاطر اینکه استفاده از خط در نقاشی مد شده، به دنبال آن نرفتم. خط برای من ابزاری است که با آن بتوانم حال و هوای عرفانی را بیان کنم چون خط با من خیلی می‌تواند ارتباط برقرار کند. شعرهایی که من انتخاب می‌کنم بیشتر متعلق به مولاناست، چون هیجان خاصی در آنهاست و آنچنان آدمی را در خود غرق می‌کند که حتی خط هم به وجد می‌آید.

– به نظر می‌رسد مباحث عرفانی برای شما جذاب است. از چه زمانی تصمیم گرفتید موضوعات عرفانی را جاشنی کار خود کنید و روی بوم‌بیاورید؟
انسان در طول زندگی تاثیرات زیادی از خانواده و حتی محیط می‌گیرد. در خاندان غفاری علاوه بر نقاش، عارف و شاعر و صوفی هم بوده است. پدربزرگ کتاب‌های زیادی درباره عرفان و انسان کامل و صوفی‌گری ایرانی نوشته است و مادربزرگ هم شعرهای عارفانه‌ای دارد. تمام این گرایش‌ها در من هم وجود دارد، ضمن اینکه علاقه شخصی هم به این موضوعات دارم. از یک جایی به بعد این احساس و عرفان با نقاشی‌های من درآمیخت.

– پیش از شما کسانی بوده و هستند که نقاشی خط کار می‌کنند. شما تاثیری از آنها نگرفتید؟ البته این به معنای کپی‌کاری نیست. می‌خواهم بدانم جذب کار آنها نشدید که بخواهید آن راه را به شیوه خود دنبال کنید؟

این شیوه برای من اصلاً قراردادی نبوده است. همان طور که قبلاً هم گفتم من سال‌ها نقاشی نکردم و پس از مدت‌ها به یکباره احساسی در من پدید آمد که مجدداً به دنبال نقاشی رفتم اما نمی‌خواستم خیلی جدی و مستمر کار کنم، می‌خواهم تا زمانی که این احساس در من هست، نقاشی کنم و زمانی که به این نتیجه برسم احساسم دیگر واقعی نیست و به سمت بازار گرایش پیدا کرده است، نقاشی را کنار می‌گذارم چون من با احساس خودم بسیار صمیمی هستم و اگر ایمن حس در من کم‌رنگ شود دیگر قادر به کار کردن نخواهم بود. من برای دل خودم کار می‌کنم و نمی‌خواهم خودم را درگیر بحث فروش و قیمت و… کنم. من دوست دارم با عشق

▼ عکس:

رضا عزیزی



تجسمی

یادداشت



لیلی گلستان

ضربه‌های پر شور قلم‌مو

می‌توانیم نقاشی‌های شهرزاد غفاری را نقاشی خط بدانیم یا یک اثر انتزاعی بدانیم یا آن را یک اثر مینی‌مالیستی نامگذاری کنیم اما من به شخصه با سنجاق کردن یک اثر هنری به یک سبک موافق نیستم و هیچ وقت دوست نداشتم‌ام اثر هنری را در یک چارچوب قرار دهم. اثر یا هنری است یا نیست. آثار شهرزاد غفاری هنری‌اند. آنها آثاری‌اند دارای ترکیب‌بندی محکم و منسجم. در این آثار رنگ‌ها هماهنگی دلپذیری دارند. ضربه‌های قلم‌مویش پرشورند. چیزی که آثار شهرزاد غفاری را به این اندازه جذاب می‌کند همین شور و حالی است که رنگ‌بندی و ترکیب‌بندی درستی هم دارند. به خوبی معلوم است که نقاش هنرمند هنگام وارد کردن ضربه‌های قلم‌مویش بر بوم پر از شور و شوق بوده است، پر از شیدایی و دلدادگی، پر از عشق و نقاشی کردن. حال و هوای نقاش به خوبی به بیننده منتقل می‌شود و به هنگام تماشای این آثار ضربه‌نگ کلام‌هایی که بر بوم نقش بسته‌اند، بیننده را به وجد می‌آورد.

شهرزاد غفاری در مدت‌زمانی کوتاه بسیار پیش رفته است آنچنان که توانسته نظر مجموعه‌دارهای مهم داخل و خارج از کشور را به خود جلب کند، به صورتی که هر کدام از آنها چندین و چند تا از آثار او را در مجموعه خصوصی‌شان دارند. من به عنوان یک گالری‌دار که دو دهه است در ایمن حیطه فعالیت می‌کنم متقدمم او تا چند سال دیگر یکی از مطرح‌ترین نقاش‌های ایران خواهد بود.

اگر این گفته مرا دور از فروتنی ندانیدم، می‌توانم ادعا کنم که اغلب اوقات پیش‌بینی‌هایم درست از آب درآمده‌اند.

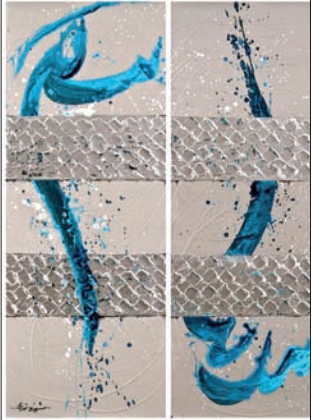
پس بنشینیم به تماشا…

■ ■ ■

نگاهی به نقاشی خط‌های شهرزاد غفاری

تجلی تصوف مولانا

زهرا فریدنی‌آخوان *: شهرزاد غفاری از ۱۲سالگی علاقه‌اش را به هنر و نقاشی



نشان داد و از همان زمان به صورت جدی این هنر را دنبال کرد. او از خاندان غفاری و از تبار صنیع‌الدوله غفاری و کمال‌الملک غفاری است. و سنت دیرینه خانواده را که قدمتی ۱۵۰ ساله دارد، ادامه داد.

نقاشی خط‌های شهرزاد غفاری آمیخته به فلسفه‌ای روحانی است و کارهای او تجلی تصوف مولاناست و ترکیبی است از عمیق‌ترین غرایز شخصی برگرفته شده از روح پیشینیانش؛ کمال‌الملک غفاری و صنیع‌الدوله غفاری، دو تن از نام‌آورترین هنرمندان ایرانی. در کارهای شهرزاد

غفاری کلمه‌ها، همچون استعاره‌های مولانا بر زمینه نقاشی‌های او شناورند و فرمی تجویدی به خود گرفته‌اند. هنرمند از بیننده دعوت می‌کند از احساسات خود برای درک اثر کمک بگیرد و با دیدی عمیق به ماورای کار نظر افکند. با کناره گرفتن از سایه هنر خطاطی و راهی کلمه‌ها از چارچوب اصول و قواعد، هنرمند دنیایی بیسوز از جهان مادی را به نمایش می‌گذارد.

پس زمینه نقاشی اینک لایه‌هایی است از اشعار فلسفی که معانی از آن چون دورنمایی به بازی گرفته شده است: «هر یک از کارهای من راز و رمز خود را دارند، به همین دلیل من با کلمه‌ها بازی می‌کنم و آرزو می‌کنم که بیننده با فکر و روحش به کارهای من نگاه کند.»

شهرزاد غفاری از آزادگی در اشعار مولوی الهام گرفته است و این آزادی در کارهای او به شکل و فرم تبدیل شده است.

در نکتجد عشق در گفت و شنید/ عشق دریایی‌ست قعرش ناپدید

قطره‌های بحر را نتوان شمرد / هفت دریا پیش آن بحر است خرد

***داری دکترادر فرهنگ و هنر از**

دانشگاه هاروارد

برگرفته از مجله 2A زمستان ۲۰۱۰

بله، ۱۰ روز پس از نمایشگاه، ۱۶ اردیبهشت در

موسسه خیره و نیکوکاری ریحانه، تعدادی کار به نمایش

و فروش می‌گذارم.